

## تأثیر پذیری قیامها از نهضت عاشورا .....

باقر دریاب  
پژوهشگر

### چکیده

این مقاله در صدد تبیین آن است که تنها انقلابی که می‌تواند برای جامعه بشریت الگو باشد، تا با الهام گرفتن از او بشریت از زیر یوغ بندگی و اسارت نجات یابد همانا نهضت عاشورا است. نهضت عاشورا الهام بخش تمام نهضت‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌هایی است که در جهان اتفاق افتاده است.

**کلیدواژه‌ها:** عاشورا، قیام، الگو

برای هر قیام و نهضتی که در جهان پدید می‌آید، دو سرنوشت قابل تصور است:

۱. قیامی که در یک مقطع تاریخی پدید می‌آید و پرونده آن بسته می‌شود؛

۲. قیامی که حالت اسوه برای قیام‌های بعدی پیدا می‌کند.

قیام و نهضت عاشورا از نوع دوم است، زیرا از حالت یک واقعه در یک زمان درآمده تعمیم یافته و نوعی بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شده است؛ چراکه ارزش‌هایی که در آن مطرح شده، کلی و فراگیر بوده، مربوط به هیچ زمانی نبوده و نیست. از این جهت این انقلاب از لحاظ معنوی غنی‌ترین انقلاب‌ها می‌باشد.

چه آن‌که موجی از اراده و پایداری در مبارزه خونین در این انقلاب به چشم می‌خورد. آری به فخرمانان انقلاب حسین(ع) بهترین زندگی دنیایی را عرضه کردند ولی آنها چنین پیشنهادی را به این دلیل که می‌بایست در برابر ظلم و بیدادگری سکوت اختیار کنند، رد کردند.

نهضت عاشورا پرافتخارترین نهضتی است که در جهان رخ داده است، زیرا قهرمانان این انقلاب هیچ گونه نفع و هدف شخصی نداشتند، بلکه هدف آنها آزاد ساختن جامعه از دست ستمگرانی بود که انواع زجرها و شکنجه‌ها را به مردم می‌دادند.

شیخ علانلی با ذکر عظمت‌های امام حسین (ع) که در کربلا به خوبی به نمایش گذاشته شد، مانند عظمت پابندی به اصول (بعد اعتقادی) عظمت صراحت در گفتار و قاطعیت در عمل (بعد عملی)، عظمت زیر بار ظلم نرفتن، عظمت قهرمانی و عظمت کوچک شمردن مشکلات، در سهای پرافتخاری را برای قیام او ذکر می‌کند به اعتقاد وی امام حسین (ع) گر چه مصائب بس دردناک و تلخ دید، اما درس افتخارآمیز، آموزشی پر فضیلت و والا و انسانی بزرگ، یادی جاودان، و منزلت و مقامی بس بلند در نزد خداوند و مردم بر جای گذاشت. او به ما آموخت که چگونه گوهر انسانی خویش را نگه داریم و به خود آگاهی برسیم و چگونه در راه دفاع از کرامت خویش تا رسیدن به هدف از پای ننشینیم و چگونه در راه اندیشه مقدس خویش عمل کنیم و چگونه یک رهبر اهل عمل را اراده‌ای استوار و سازش‌ناپذیر بایسته است. حسین (ع) بهترین نمونه خودآگاهی است و خودآگاهی را آن چنان که شایسته آن است به ما آموخت.

او عالی‌ترین نمونه پاسداری از کرامت انسانی و دفاع از آن و جانبازی در راه آن را به ما نشان داد. زیرا نعمت کرامت، در نظر آزادگان با ارزش‌تر از نعمت وجود است. امام حسین (ع) به ما نمونه ارائه می‌دهد که چگونه می‌توان به عقاید مقدس خود و هدف عمومی خدمت کرد. او نمونه درخشانی از رهبر مبارزی را به ما نشان می‌دهد که چگونه در میدان حق و باطل به پیکار فرو می‌روند و جز با پیروز گردانیدن حق یافدا شدن در راه آن، از میدان بر نمی‌گردند.<sup>۱</sup>

و از اینجا اهمیت تاریخی و اصلاحی نهضت عاشورا روشن می‌شود. به همین جهت است که این نهضت می‌تواند نمونه کامل و سرمشق زنده‌ای برای انقلاب‌های جهان بگردد که باید از او الهام گرفت.

بازتاب سریع نهضت عاشورا در عرصه سیاسی، وقوع قیام‌ها و حرکت‌های متعددی در شهرهای اسلامی بود که اوضاع نظام خلافت را کاملاً دگرگون کرد.

این قیام‌ها از نظر هدف و ماهیت چند دسته بودند:

۱. واکنش‌های فردی هواخواهان شیعی امام حسین (ع) به صورت اعتراض یا درگیری.
  ۲. مبارزات و فعالیت‌های وابستگان و منسوبان امام حسین (ع) (بنی هاشم) و علویان علیه نظام اموی.
  ۳. قیام‌ها و نهضت‌های گسترده مردمی به خونخواهی امام حسین و مبارزه با حکومت اموی.
  ۴. شورش‌ها و حرکت‌هایی که مدعیان قدرت در عرصه سیاسی موجود به منظور دست اندازی بر حکومت و در نزاع قدرت برپا کردند.
- و اینک شرح برخی از قیام‌ها

#### ۱. افشاگری‌ها و پیام رسانی‌های بازماندگان واقعه

پس از شهادت امام حسین (ع) در دهم محرم سال شصت و یک هجری، دشمنان زن و فرزندان او و بازماندگان شهدای کربلا را اسیر و به کوفه و از آنجا به شام بردند و ادامه رسالت کاروان هجرت و شهادت و جهاد امام حسین بر دوش کاروان اسیران، به پیشوایی امام علی بن الحسین (ع) و حضرت زینب (س) بود. آن دو بزرگوار توانستند انقلابی متأثر از نهضت عاشورا پدید آورند و مردم را علیه حکومت وقت بشورانند.

سخنرانی حضرت زینب (یا ام کلثوم) در کوفه و سرزنش آن مردم، آنها را دگرگون کرد تا جایی که مردم دست بر هم می‌زدند و گریه می‌کردند. و نیز سخنرانی کوبنده حضرت زینب (س) در شام که یزید در مرکز حکومت خود در پیشگاه مردم رسوا گردید. وقتی یزید با عصا به دندانهای مبارک امام حسین (ع) می‌زد و می‌گفت: «کاش بزرگان من که در بدر کشته شده بودند می‌بودند و به من دست مرزاد می‌گفتند و می‌دیدند انتقام آنها را از اولاد احمد گرفتیم» حضرت زینب (س) خطاب به او سخنانی بر زبان راند که تأثیر عمیق بر مردم گذاشت و انقلابی عظیم ایجاد کرد.

سخنان امام سجاد نیز در شام انقلاب دیگری ایجاد کرد.

#### ۲. قیام عبدالله بن عقیف ازدی

فریاد اعتراض عبدالله بن عقیف ازدی غامدی در زمره اولین واکنش‌های تند و انقلابی بود که علیه عبیدالله بن زیاد نماینده حکومت یزید در کوفه و عامل فاجعه هولناک حادثه

عاشورا، و در هواخواهی امام حسین (ع) در همان مجلسی صورت گرفت که عبيدالله برای نمایش پیروزی و قدرت آراسته بود.

ابن عقیف از دلاور مردان شیعه بود که در پیکار جمل و صفین چشمان خود را از دست داده بود. وی هنگامی که ابن زیاد در مسجد جامع کوفه به منبر رفت و با خشم و کینه گفت: «الحمد لله الذي اظهر الحق و اهله و نصر امير المؤمنين يزيد و حزه و قتل الكذاب بن الكذاب الحسين و شيعته»<sup>۲</sup>، یعنی «سپاس خدا را که حق و اهلس را آشکار ساخت و امیر مؤمنان یزید و حزب او را یاری کرد و دروغگو پسر دروغگو حسین و یارانش را کشت»، به پاخاست و گفت: «ای پسر مرجانه، همانا دروغگو پسر دروغگو، تو و پدرت و کسی است که تو را امارت داد! ای پسر مرجانه؛ فرزندان پیامبر را می‌کشی و سخن راستگویان را می‌گویی»

ابن زیاد از این حمله ناگهانی و حرکت شجاعانه و شگفت مبهوت شد، چرا که این مرد با سخنان خود پرده‌های جهالت و نادانی و حيله گری و خدعه را که ابن زیاد به کار گرفته بود به یک سوزد. و حقیقت را برای برخی از مردم آشکار ساخت، سخنان افشاگرانه ابن عقیف نمایانگر شعله‌های آتش شورش و قیام و انقلاب بود.

آری عبدالله اولین کسی بود که پس از نهضت عاشورا، آتش انقلاب بر ضد امویان را برافروخت و تبلیغات دروغین نظام حکومتی را خنثی کرد. در پی این قیام ابن زیاد دریافت که پیروزی نظامی نتوانسته آرزوی او را برآورده سازد و به جهت مقاومت و رویارویی مردم، پایه حکومت اموی لرزان شده است، زیرا مردم با حالت پشیمانی و با سرخوردگی از حکومت روگردان می‌شدند و از اینکه از یاری امام حسین (ع) سرباز زده‌اند در خود احساس گناه می‌کردند. همین احساس گناه عده‌ای را واداشت که از اطاعت حکومت سرپیچی نموده، با شعار «یا لثارات الحسین» دست به قیام مسلحانه بزنند.

### ۳. قیام مردم مدینه (واقعه حره)

از دیگر تحولات پس از نهضت عاشورا، قیام مردم مدینه است که در ذیحجه سال ۶۳ هجری علیه بی‌عدالتی و ستمگری نظام اموی و حکومت یزید به وقوع پیوست و توسط سپاه شام به خاک و خون کشیده شد. این واقعه در تاریخ اسلام به نام «واقعه حره» شهرت یافت.

هنگامی که خبر شهادت امام حسین (ع) به مدینه رسید در جای جای شهر بر او نوحه سرایی و شیون و زاری می‌کردند و بنی هاشم در خانه‌های خود به سختی می‌گریستند. این فریادها به آرامی به اعتراض مبدل شد و انقلاب دیگری علیه یزید و یزیدیان شکل گرفت.

#### ۴. قیام توابین در کوفه

یکی دیگر از انقلاب‌های نشأت گرفته از نهضت عاشورا، قیام و انقلاب توابین بود که هسته و رهبری آن را شیعیان کوفه تشکیل می‌دادند. اساس این قیام بر بازگشت از گناه، خونخواهی خاندان رسول الله (ص)، و واگذاری حکومت به آنان و شهادت خواهی بود، انگیزه کوفیان در قیام خود، احساس گناه به علت یاری نکردن امام حسین (ع) بود. آنان خواستند ننگی را که مرتکب شده بودند با انتقام از قاتلان امام حسین (ع) و شهادت در این راه بشویند تا مورد بخشش خداوند قرار گیرند. اینان بر همین اساس و با تأثیر از آیه ۵۴ سوره بقره خود را توابین نام نهادند.

نهضت عاشورا و شهادت حضرت امام حسین (ع) و یارانش، و سرزنش آنان، در برانگیخته شدن احساس گناه در آنان مؤثر بود.

قیام و انقلاب توابین را دوستاناران حضرت علی (ع) به رهبری پنج تن از رهبران شیعه کوفه به نام‌های زیر برپا کردند:

سلیمان بن صرد خزاعی، مسیب بن نجبه فزادی، عبدالله بن سعد بن نفیل از دی، عبدالله بن وال تیمی و رفاعه بن شداد بجلی. *رتال جامع علوم انسانی*  
این انقلاب و قیام در سال ۶۵، با شهادت سلیمان بن صرد خزاعی پایان یافت.

#### ۵. قیام مختار در کوفه

از دیگر انقلاب‌هایی که پس از نهضت کربلا پدید آمد و از آن مایه گرفت، انقلاب یا قیام مختار بود. او که با انگیزه خونخواهی خاندان رسول قیام کرده بود به یاران خود دستور داد کسانی را که در کشتار روز عاشورا دست داشتند دستگیر کنند و به قتل برسانند. از جمله این کشته‌شدگان، شمر بن ذی الجوشن، خولی بن یزید اصبحی، عمر بن سعد بن ابی وقاص و پسرش حفص و حرمله بود. همچنین می‌توان از نهضت‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌های فراوان

دیگری نام برد که عاشورا را الگوی خود ساخته بودند، همانند قیام زیدبن علی (ع)، قیام محمد نفس زکیه، قیام ابراهیم فرزند عبدالله... تا قیام انقلاب مقدس ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره).

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «واقعه عاشورا از سال ۶۱ هجری تا خرداد ۴۳ و از آن زمان تا قیام حضرت بقیة الله روحی لمقدمه الفداء در هر مقطعی انقلاب ساز است.<sup>۲</sup> و این حقیقتی است غیر قابل انکار که تمام نهضت‌های اسلامی و حتی غیر اسلامی از نهضت عاشوراء الهام گرفته است.

مثلاً اقبال لاهوری استقلال و نجات پاکستان را مرهون قیام عاشورا دانسته است و معتقد است که نهضت عاشورا الهام بخش استقلال و نجات پاکستان بود.

وی در برخی از اشعار خود چنین می‌گوید:

ز آتش او شعله‌ها افروختیم	رمز قرآن از حسین آموختیم
موج خون را او چمن ایجاد کرد	تا قیامت قطع استبداد کرد
ملت خوابیده را بیدار کرد <sup>۴</sup>	خون او تفسیر این اسرار کرد

گاندی، رهبر غیر مسلمان هند نیز نهضت عاشورا را الهام بخش خود در رهایی هندوستان می‌داند.<sup>۵</sup>

خلاصه رویداد عاشورا همیشه در عرصه سیاسی منشأ حرکت‌ها و انقلاب‌ها علیه حاکم ستم در دوره‌های گوناگون بوده و هست.

در یک کلمه اگر نهضت بزرگ عاشورا را الگو و اسوه همه حرکت‌های حق طلبانه و عدالت خواهانه در جهان بنامیم و بدانیم سخن به گراف نگفته‌ایم. اگر مروری داشته باشیم به گفته‌های کسانی که در قرون اولیه اسلام زندگی می‌کردند این مطلب تأیید می‌گردد.

مصعب بن زبیر با این که خود را رقیب امام حسین (ع) برای حکومت می‌دانست می‌گوید:

و انّ الأولى بالطف من آل هاشم      تأسوا فستوا الكرام التأسياً<sup>۶</sup>

ترجمه: «مردان بزرگ از بنی‌هاشم در برابر ستم مقاومت نشان دادند که برای بزرگان تاریخ نمونه و الگوست.»

بسیاری از نویسندگان، شاعران و تاریخ نگاران مسلمان و غیر مسلمان از درس آموزی این نهضت برای همه جهانیان سخن گفته‌اند.

نه تنها مسلمانان بلکه غیر مسلمانان از این حادثه درس جوانمردی، ایثار و مقاومت در برابر ستمگران گرفته‌اند، از سفیر مسیحی که در همان مجلس یزید به او اعتراض کرد تا نهضت قرون میانه و تاروزگار حاضر.

آری نهضت عاشورا از چنان عمق و غنایی برخوردار است که تا پایان تاریخ پیام‌آور ارزش‌های والای انسانی و الهام بخش انسان‌های آزاده و خداجو خواهد بود. نهضت عاشورا دانشگاهی است که همه طبقات از زن، مرد، کوچک و بزرگ، باسواد بی‌سواد، سیاه و سفید، مسلمان و غیر مسلمان از آن درس می‌آموزند.

در این دانشگاه همواره استادان بنامی چون حسین بن علی (ع)، قمر بنی هاشم، حضرت علی اکبر، قاسم بن الحسن، حبیب بن مظاهر، زینب کبری و دیگر عاشورائیان تدریس می‌کنند.

ولی متأسفانه ما تاکنون نتوانسته‌ایم ارزش‌های عاشورا را آن چنان که شاید و باید به جوامع جهانی بشناسانیم. گر چه خود به خود شعارهای این نهضت و این قیام در اعمال وجود انسان‌های آزاده رسوخ کرده و حتی بسیاری از حرکت‌های ضد استکباری و استبدادی که در میان ملت‌های مختلف به ویژه ایران، لبنان و فلسطین رخ نموده، دقیقاً متأثر از عاشورا و آرمان‌های کربلاست چنان که در پاره‌ای از کنفرانس‌ها نیز رسماً اعلام شده است. فداکاری، ایثار، صبر و استقامت، شهادت و شجاعت، تعهد و مسئولیت، صداقت و وفاداری، قاطعیت در راه هدف، دفاع از رهبری و امامت و ولایت، دفاع و پاسداری از دین و ارزش‌ها، تولی و تبری، ستیز با ستم و ستمگران، و مبارزه با فساد و مفسدان، دستور به نیکبها، پرهیز از بدیها و زشتیها، انس با قرآن، ترویج فرهنگ نماز، نهراسیدن از نیروی دشمن، پرهیز از سستی و تنبلی در برابر تجاوز به ارزش‌ها، افشای چهره دشمنان اسلام، توجه به معنویات حتی در جبهه جنگ، نفی نژاد پرستی، دعا، استغفار، توبه، تسلیم در برابر خدا، قیام برای خدا و... بخشی از درس‌های نهضت عاشورا است که برای جهانیان این نهضت به ارمغان آورده است.

آری همین درس‌ها کافی است که یک ملت را هر چند مسلمان نباشد از ذلت به عزت برساند و همین درس‌ها می‌تواند جبهه ظلم و ستم را شکست بدهد.

عدالت خواهی و ستم ستیزی در نهضت عاشورا ستیز با ستم و ستمگران به ویژه با حاکمان ستم و برپایی عدل و وجود جهانی بدون تبعیض و ظلم در متن نهضت عاشورا قرار دارد.

نهضت عاشورا به انسان آزاده در جهان الهام می‌بخشد که در برابر ستم و ستمگران هرگز نباید سکوت کنند.

توجه به اهداف نهضت عاشورا، عزت آور است. در یکی از فیلم‌هایی که بر ضد اسلام به وسیله B.B.C با نام «شمشیر اسلام» تهیه شده بود، بخش مهمی از آن را به عزاداری و سوگواری امام حسین اختصاص داده بودند. مفسر این فیلم می‌گوید:

«باید مراقب بود که اگر این عزاداری‌ها و این همه عشق‌ها هدف دار شود و به سوی قلب غرب نشانه رود، دیگر هیچ سلاحی نمی‌تواند با آن مقابله کند».

حال این سؤال مطرح می‌گردد که چه شد این گونه نهضت عاشورا، برای بسیاری از انقلاب‌های جهان سرمشق شده است؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است مقدمه‌ای کوتاه عرض شود.

زمانی که امام حسین (ع) قیام کردند، مشکلاتی از طرف هیئت حاکمه بر مسلمانان به وجود آمده بود، از جمله آن که یزید می‌خواست مردم را برده خود گرداند «یتخذ عبادالله خولاً» امام حسین (ع) نیز وضعیت جامعه آن روز را چنین ترسیم می‌کند.

فاسلمتم الضعفاء فی ایدیهم فن بین مستعبد مقهور و من بین مستضعف علی معیشتة مغلوب...  
و الناس لهم خَوْلٌ لا یدفعون ید لأمس فن جبار عنید و ذی سطوة علی الضعفة شدید و مطاع  
لا یعرف المبدء و المعید.<sup>۷</sup>

ضعیفان را به آنان سپردید که برخی را برده و مقهور خود ساخته و برخی را ناتوان و مغلوب زندگی روزمره ساختند...

و مردم بردگان آنها بودند که دست هیچ متجاوزی را از خود نمی‌رانند. آنها که برخی زورگو و معاندند و برخی هم بر ناتوانان ستمگر و تندخویند. فرمانروایانی که نه خدا شناسند و نه معاد شناس!



خول به معنای «بردگان و کنیزان» است و حتی بعضی از لغت شناسان به معنای چهارپایان معنی کرده‌اند. توجه به معنای این واژه عمق فاجعه را نمایان می‌سازد. امویان به تعبیر پیامبر و امام حسین (ع) مردم را بنده و برده و مثل حیوانات دانسته و بمانند حیوانات و بردگان با آنان رفتار می‌کردند.

امام (ع) می‌خواست نهضت او در جامعه مبدل به یک فرهنگ شود و سر مشق و الگویی برای تمامی آزادگان در سراسر جهان بگردد. تا جایی که خودشان می‌فرمایند «ولکم فی اسوة»؛ من برای شما الگو هستم.

### آزادگی و عزت نفس امام

از ویژگی‌های ممتاز امام که شخصیت مبارک وی را از دیگران ممتاز می‌ساخت «حریت، آزادگی عظمت روح و عزت نفس بود» و همین روح بزرگ و بزرگوار او مانع می‌شد که در برابر ظلم به بندگان خدا تنها نظاره گر باشد.

روح آزاده و توأم با شجاعت از آن حضرت شخصیتی ساخته بود که در برابر ظلم و بی‌عدالتی قیام کند.

شجاعت و آزاد منشی امام سبب می‌شد که اجازه ندهد هیچ زورگویی و ستمگری حق او یا دیگری را تضعیف کند.

این ویژگیها سبب شد امام (ع) در برابر درخواست حکومت بایستد و تن به بیعت ندهد. گریز از تن دادن به ذلت و پستی، از خصوصیات انسانهای آزاده است، پیام نهضت امام حرکت و رفتارهای امام، برخورد او با دوستان و دشمنان و زندگی و مرگ او با ذلت و پستی بیگانه بود. این پیام در نهضت حسینی آن قدر واضح و روشن است که او را «سرور آزادگان» لقب داده‌اند و قیامش نه تنها الگوی شیعیان و مسلمانان گشته بلکه مستضعفان عالم از هر مکتبی و آیینی او را اسوه و الگوی خود می‌شناسند.

از اصول مهم دیگر که امام بدان بسیار اهمیت می‌داد و می‌توان گفت اینهم یکی از علل جاودانگی این نهضت شد، احترام به اصول انسانی بود. از واپسین کلمات گهرباری که از امام (ع)، در شرایطی که در اثر جراحات بی‌شمار در گودال قتلگاه افتاده بود، جمله‌ای است که می‌تواند منشور جاویدان انسانیت تا روز قیامت باشد:

هنگامی که آن بزرگوار بر زمین افتاده بود و توان جنگیدن را از دست داد، نامردمان آهنگ خیمه‌ها را کردند. امام در حالی که بر اثر یک روز جنگ بی‌امان و تشنگی فراوان و جراحات سخت رمقی در بدن نداشت فریاد زد:

يا شيعة آل ابي سفيان ان لم يكن لكم دين و كنتم لا تخافون المعاد، فكونوا احراراً في دنياكم.  
 هذه فارجعوا الي احسابكم ان كنتم عرباً كما تزعمون.<sup>۸</sup>

امام حسین (ع) با این جمله و جدانهای خفته و مدفون آنان در زیر خروارها عادت جاهلی را مخاطب قرار داد که:

ای پیروان خاندان ابی سفيان اگر دین ندارید و از روز قیامت نمی‌ترسید، لاف‌قل در زندگی دنیای خود آزاده باشید و اگر گمان می‌کنید که عرب هستید به آیین عربیت خود وفادار باشید!

و این چنین سرور آزادگان جهان یکی از ارکان نهضت خود را احترام به اصول انسانی، یعنی آزادی و آزادگی قرار داد.

از دیگر آموزه‌های نهضت حسینی، رهایی از استبداد جهانی است. بی‌شک انقلاب اسلامی ایران با الهام از نهضت امام حسین (ع) به رهبری حضرت امام خمینی (ره) با انگیزه «احیای دین خدا» و نیز «برچیدن بساط نظام استبدادی رژیم پهلوی و استعمار غرب به ویژه امریکا» به وقوع پیوست. هر کس کمترین تأملی در این نهضت داشته باشد، این حقیقت را به خوبی درک کرده است که یکی از برکات نهضت عاشورا در عصر اخیر، نهضت اسلامی ملت ایران و استقرار نظام اسلامی در این کشور است. بی‌شک راز و رمز تداوم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در داخل و نشر و گسترش پیام آن در عرصه بین‌الملل نیز در گرو و الهام گرفتن از قیام آزادبخشی حسینی است.

در بعد داخلی زنده نگه داشتن اهداف قیام حسینی (یعنی احیای دین و حاکمیت قوانین اسلامی، شایسته‌سالاری به معنای واقعی در همه‌شئون حکومت، تلاش برای تأمین حقوق و آزادیهای اجتماعی مردم، حرکت به سمت عدالت اجتماعی و کوتاه شدن دست غارتگران اموال عمومی و مبارزه پیگیر یا تبعیض و بی‌عدالتی و...) تنها راه بقای نظام اسلامی است.

در بعد جهانی نیز امروزه تحت پوشش عناوین فریبنده دموکراسی جهانی شدن، مبارزه با تروریسم، حقوق بشر و امثال آن استبدادی بسیار خشن حاکم گشته و هیچ حد و مرزی برای تضييع حقوق ملت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود.

در دو سال اخیر پس از واقعه یازدهم سپتامبر در امریکا، جهان به سمت حاکمیت استبدادی بسیار خشن و سلب هرگونه استقلال و حاکمیت از دولتها و ملتها و فرهنگهای دیگر شتاب مضاعفی پیدا کرده است.

راهی که امام خمینی با الهام از نهضت حسینی در پیش گرفت و کار آمدی آن در ایران به اثبات رسید، تنها راه برون رفت از وضعیت اسفبار جهانی است.

به هر حال در این وضعیت تنها راه مقابله با استبداد جهانی، پیروی از سرور آزادگان حسین بن علی (ع) است و بس. و چه کسانی بیش از مسلمانان به الهام‌گیری از این نهضت رهایی بخش سزاوارترند؟!

### پی نوشتها

۱. برترین هدف برترین نهاد، عبدالله علائی، ص ۱۲۳.

۲. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۶۹؛ ارشاد، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۷۹.

۴. گلوآزه، ج ۱، ص ۱۲۵.

۵. درسی که حسین به انسانها آموخت، ص ۴۴۷.

۶. شرح النهج، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۴۴۹.

۷. همان، ص ۵۰۴.

۸. دام جهانی شدن تهاجم بر دموکراسی و رفاه، ص ۳۰-۳۱.